

متن پرسش

بسمه تعالی با سلام خدمت استاد عزیز: در قانون بوعلی مطلبی راجع به ارکان اربعه هست که با تعریف بسیط که یعنی جسمی که ترکیب ندارد به ایرادی برخوردیم، در تفسیر سوره توحید همانا اصل مطلب سوره بازگو کردن همین غیر مرکب بودن خداوند است که بعد از احد یکی که دویی ندارد و بعد بقیه صفات خداوند از بی نیازی و عدم رابطه تولیدی با ما در باقی سوره باثبات می‌رسد. حال می‌خواهم بدانم شیخ چگونه شالوده و بنای طب را بر این مطلب شرک آلود بیان کرده؟ اگر برداشت بنده اشتباه است از سخن شیخ الربیس بفرمایید. با تشکر الأزکان هِيَ أَجْسَامٌ بَسِيطَةٌ، هِيَ أَجْزَاءٌ أَوْلِيَّةٌ لِبَدَنِ الْإِنْسَانِ وَ غَيْرِهِ، وَ هِيَ الَّتِي لَا يُمَكِّنُ أَنْ تَنْقَسِمَ إِلَى أَجْسَامٍ مُخْتَلِفَةِ الصُّورِ، وَ هِيَ الَّتِي تَنْقَسِمُ الْمُرَكَّبَاتُ إِلَيْهَا وَ يَحْدُثُ بِامْتِزَاجِهَا الْأَنْوَاعُ الْمُخْتَلِفَةُ الصُّورِ مِنَ الْكَائِنَاتِ فَلْيَتَسَلَّمِ الطَّبِيبُ مِنَ الطَّبِيعِيِّ أَنَّهَا أَرْبَعَةٌ لَا غَيْرُ.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حضرت حق در ذات، بسیط‌اند ولی در تجلی اسماء در مظاهر مختلف متکثر می‌باشند لذا گفت: «صد هزار انگشت ایما گر برآرد ز آستین / در حقیقت جز جمال نیر یکتاش نیست». موفق باشید